

روابط عمان با ایران در دوره سلطان هشتم بن طارق

علیرضا کوهکن*

چکیده

سیاست خارجی هر کشوری ملهم از متغیرهای داخلی و پیرامونی است که به شکل مستقیم و یا با واسطه بر آن اثرگذارند. ساخت سیاسی کشورهای پادشاهی حوزه خلیج فارس به گونه‌ای است که سیاست خارجی را بسیار متأثر از جایگاه نهادی پادشاه نموده است. سلطان نشین عمان نمونه‌ای از این واقعیت سیاسی است. سیاست خارجی در این کشور به شدت تحت تأثیر سلاطین حاکم بر آن بوده است، انزوآگرایی عمان در دوران سلطان سعید بن تیمور و چرخش آن به سیاست موازنه مثبت و تعامل شکوفای دوران سلطان قابوس نمونه بارزی از نقش پر قدرت سلطان عمان بر سیاست خارجی است. دهم ژانویه سال ۲۰۲۰ سلطان قابوس بعد از ۵۰ سال سلطنت درگذشت. سلطان جدید عمان، هشتم بن طارق، درخصوص سیاست خارجی و روابط با ایران سابقه چندان روشنی ندارد. این مقاله سعی دارد با روش آینده‌پژوهی و سناریونگاری با متد منطق شهودی، آینده‌های محتمل در سیاست خارجی دوران پساقابوسی را بازنمایی کند. بر اساس عوامل اثرگذار و پیش‌ران‌های اثربخش در آینده سیاست خارجی عمان، شامل تغییر حاکمان، نظرات شخص حاکم، پذیرش مردمی سیاست‌های حاکم، شورای همکاری، آمریکا و ایران، چهار سناریو هم‌نویسی با شورای همکاری خلیج فارس، بازگشت به انزوآگرایی، تداوم سیاست خارجی و استقلال منطقه‌ای عمان از شورای همکاری و چرخش حداکثری بسوی ایالات متحده، مورد بازآفرینی قرار گرفت و بر اساس میزان استحکام در نظم منطقی سناریوها و شدت وقوع عوامل اصلی در هر یک از سناریوها، سناریوی تداوم سیاست خارجی عمان پس از سلطان قابوس به‌عنوان آینده محتمل برگزیده شد.

واژگان کلیدی: سیاست خارجی، سلطان هشتم بن طارق، عمان، آینده‌پژوهی، ایران

۱. استادیار روابط بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبائی

* koochkan@atu.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۲/۲۷

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۰/۲۲

فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره نهم، پیاپی ۳۵، «ویژه‌نامه»، صص ۲۰۴-۱۷۳

مقدمه

کشور عمان پس از آن که قابوس بن سعید آل بوسعیدی ۵۰ سال پیش و در پی یک کودتای آرام، قدرت را از پدر به دست گرفت دوره شکوفایی خود را آغاز نمود. اصلاحات ساختاری در نظام اقتصادی، توسعه زیرساخت‌ها، رشد شاخص‌های توسعه انسانی، فرونشاندن منازعات داخلی و تقویت انسجام ملی از جمله دست‌آوردهای دوران زمامداری سلطان قابوس بود. او توانست با استفاده از منابع ارزی ناشی از درآمدهای نفتی و جهانگردی، کشور عمان را که در آغاز زمامداریش سخت عقب افتاده بود، به سوی پیشرفت اقتصادی رهنمون باشد.

به موازات تغییرات اقتصادی - اجتماعی پس از روی کار آمدن سلطان قابوس شاهد چرخش بنیادینی در سیاست خارجی عمان بودیم. سیاست خارجی مسقط از انزوای گرای زمان تیموربن سعید به سوی تعامل سازنده با قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی در زمان سلطان قابوس تغییر جهت داد و موازنه مثبت چارچوب اصولی سیاست خارجی کشور را شکل داد.

سلطنت نشین عمان همانند سایر کشورهای شورای همکاری خلیج فارس دارای ساخت حکومتی پاتریمونیال^۱ بوده و عمده تصمیمات اصولی کشور از مصدر نهاد پادشاهی و شخص سلطان است که صادر می‌گردد. طبق قانون اساسی عمان (Royal Decree No. 101/96)، شخص سلطان با حفظ جایگاه سلطانی، نخست وزیر، وزیر دفاع، وزیر امور خارجه و رئیس بانک مرکزی عمان نیز می‌باشد که این موضوع به وضوح جایگاه نهادی پادشاه در عرصه سیاست داخلی و خارجی را هویدا می‌سازد. در واقع پادشاه عمان، به عنوان تعیین کننده اصلی سیاست‌های داخلی و خارجی این کشور، دارای نقش اصلی و برجسته است جدا از این که کابینه و مجلس این کشور هم نقشی در تعدیل سیاست خارجی این پادشاهی بر عهده دارند.

پیچیدگی و ابهام در سیاست خارجی سلطان هیثم بن طارق آل بوسعیدی، به عنوان جانشین سلطان قابوس و جایگاه منحصر بفرد عمان در منطقه که همواره تلاش کرده

1. Patrimonial state
2. The Basic Law of the Sultanate of Oman

است تا اصل بی‌طرفی و موازنه مثبت را در منازعات و اختلافات منطقه‌ای حفظ کند، باعث شده که آینده سیاسی این کشور و تبعات منطقه‌ای سیاست خارجی سلطان جدید مورد نگرانی دوستان و متحدان عمان باشد.

پیگیری سیاست خارجی موازنه مثبت از سوی عمان در دوران زمامداری سلطان قابوس و تداوم راهبرد بی‌طرفی در هنگامه منازعات منطقه‌ای، مجال منحصر به فردی را در اختیار سیاست خارجی ایران در منطقه قرار داده بود و بنا بر شواهد، بدیلی را نمی‌توان برای آن برشمرد. بن‌مایه ضرورت این پژوهش از همین مطلب قوام یافته است. عدم ادعای عمان بر اشغالی بودن جزایر سه‌گانه ایران در خلیج فارس برخلاف سایر اعضا، حفظ بی‌طرفی عمان در جنگ ایران و عراق، مساعدت پیگیر و حمایت عمان از گفتگوهای هسته‌ای و نیز تلاش‌های این کشور در اثرگذاری و تلطیف بیانیه‌های ضدایرانی شورای همکاری خلیج فارس تنها بخشی از واقعیات سیاست خارجی عمان است که جایگاه این کشور را در سیاست خارجی ایران ممتاز نموده است. در سایه واگرایی مزمینی که همواره بر روابط ایران با اعضای شورای همکاری خلیج فارس و اتحادیه عرب سایه‌افکن بوده، اهمیت جهت‌گیری سیاست خارجی سلطان هیثم بن طارق برای ایران به روشنی قابل فهم است. تداوم و یا دگرگونی سیاست خارجی عمان پس از سلطان قابوس، مساله مهمی برای سیاست منطقه‌ای ایران به‌شمار می‌آید که اهمیت خود را از روابط ویژه ایران و عمان اخذ نموده است. این مقاله سعی دارد با روش آینده‌پژوهی و با استفاده از سناریوپردازی، سناریوهای احتمالی که در باب جهت‌گیری سیاست خارجی عمان در دوره سلطان هیثم بن طارق امکان وقوع آن می‌رود را بازنمایی کرده و سناریوی محتمل را تبیین نماید. روش پژوهش، سناریونگاری براساس رویکرد منطق شهودی است. در ابتدای کار، عوامل موثر بر سیاست خارجی عمان براساس چارچوب نظری برگرفته از نظریه متغیرهای پنج‌گانه روزنا در ترکیب با نظریه نئوپاتریمونیالیسم مورد شناسایی و تحلیل قرار خواهد گرفت و پس از انتخاب نیروهای پیش‌برنده از میان این عوامل، ترکیب سناریوهای ممکن بازنمایی خواهد شد و

1. (Persian) Gulf Cooperation Council
2. Futures Study
3. Scenario Writing

سناریو محتمل از آن میان بر اساس نظم درونی و میزان استحکام در ساخت منطقی سناریو انتخاب خواهد شد.

۲. پیشینه تحقیق

مقالات و پژوهش‌هایی که در حوزه سیاست و روابط خارجی عمان به رشته تحریر در آمده‌اند به دو دسته عمده تقسیم می‌شوند: پژوهش‌هایی که عمان را در داخل مجموعه کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس مورد مطالعه قرار می‌دهند و پژوهش‌هایی که مستقلاً به عمان پرداخته‌اند. مقاله «شورای همکاری خلیج فارس و قدرت‌های غربی: تداوم و تغییر در حوزه‌های تعامل» (واعظی، ۱۳۸۹) به روابط خارجی عمان در قالب یکی از کشورهای حامی حضور نظامی قدرت‌های فرامنطقه‌ای پرداخته است و در آن به جنبه‌های دیگر سیاست خارجی عمان و آینده آن توجه نشده است. در مقاله «شورای همکاری خلیج فارس: سیاست خارجی و روندهای داخلی» (اسدی، ۱۳۸۹) به مبانی شکل‌دهنده سیاست خارجی مجموع کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس و به تبع آن عمان پرداخته شده است و به مقتضیات تاریخی، سوق‌الجیشی، اقتصادی و فرهنگی اثرگذار بر سیاست خارجی کشورهای این حوزه توجه نشده است. درباره سلطان نشین عمان و سیاست خارجی آن به نسبت سایر کشورهای حوزه خلیج فارس مقالات فارسی کمتری وجود دارد (این موضوع با جستجوی ساده در بانک‌های اطلاعاتی مقالات و پژوهش‌ها به سادگی قابل مشاهده است)، که شاید یکی از دلایل آن روابط آرام و کم‌حاشیه این کشور با همسایگان خود باشد. درباره روابط خارجی عمان با کشورهای همسایه مقالاتی چند مورد مشاهده قرار گرفت. مقاله «بنیاد امامت و سلطنت خاندان ابوسعیدی مسقط و عمان و چالش‌های حکومت‌های ایران در حوزه خلیج فارس و دریای عمان» (چمنکار، ۱۳۹۳)، به سیاست خارجی سلطان نشین عمان در چارچوب سیر تکوین این کشور پرداخته است. در مقاله محمدی سیرایی، (محمدی سیرایی، ۱۳۹۱) ژئوپلیتیک عمان و اثرگذاری آن بر سیاست خارجی مسقط و به تبع آن روابطش با همسایه شمالی تنگه هرمز، ایران، پرداخته شده و عامل جغرافیایی بر سیاست خارجی عمان بسیار پررنگ

دیده شده است. مشابه مقاله پیشین، از دکتر جعفری ولدانی نیز مقاله‌ای با عنوان «ژئوپلیتیک تنگه هرمز و روابط ایران و عمان» وجود دارد که محیط ناامن عمان پس از سقوط شاه ایران و بحث امنیت تنگه هرمز را مطرح کرده است. از دکتر جعفری ولدانی درباره عمان مقاله «تحلیلی بر ژئوپلیتیک مرزهای عمان با کشورهای هم‌جوار» (جعفری ولدانی و رامین، ۱۳۹۱) نیز مکتوب است که بر مناقشات مرزی، و تاریخ حدود و ثغور مرزی عمان توجه داشته است.

در مقاله رابی برت (Barret, 2011)، با نام عمان امروز در پرتو گذشته متزلزل، با مرور بر سیر تاریخی شکل‌گیری کشور عمان و سلاطین حاکم بر آن، حال و آینده کشور عمان مورد بررسی قرار گرفته است اما به سیاست خارجی عمان بشکل ویژه توجه نشده است و آینده عمان پس از سلطان قابوس نیز خارج از چارچوب آینده‌پژوهی مورد تحلیل قرار گرفته است. در مقاله پترسن با نام عمان در برابر قرن بیست و یکم (Peterson, 2011)، نیز به حال و آینده عمان از منظر اجتماعی و خصوصاً اقتصادی پرداخته شده است ولی در این مقاله نیز از تکنیک‌های آینده‌پژوهی استفاده نشده است. در مقاله‌ای از ریچارد کومون نیز که با عنوان «موانع توسعه در عمان، رهبری کشور» نوشته شده است (Common, 2011)، نویسنده موانع رشد توسعه در عمان را نظام قبیلگی و طایفه محور آن می‌داند و آینده سیاست خارجی کشور را گره‌خورده به نظام ارزشی منبعث از ساختارهای سنتی، خانوادگی سلاطین عمانی می‌داند. هیچکدام از مقالات ذکر شده سیاست خارجی عمان را از منظر آینده‌پژوهی مورد بررسی قرار نداده است.

در حوزه آینده‌پژوهی فارغ از شیوه‌ها، مقالات بسیاری در سال‌های اخیر در داخل کشور به چاپ رسیده است و موضوع جالب توجه تنوع موضوعات مورد مطالعه قرار گرفته است، از آینده‌پژوهی درباره صنعت لاستیک (حسن زاده جوانیان، ۱۳۹۲) و اسباب‌بازی (لطفی، ۱۳۹۳) و خرده‌فروشی (گویا، ۱۳۹۳) گرفته تا آینده انرژی (خلعبری، ۱۳۸۸)، صنعت برق (رازینی و دیگران، ۱۳۸۹) و بررسی نیازهای منابع انسانی برنامه پنجم توسعه (عابدی جعفری و دیگران، ۱۳۸۹)، تبیین آینده اقتصاد ایران (مومنی و نایب، ۱۳۹۱). در این تحقیقات از روش‌های متنوع سناریونگاری استفاده

شده است، روش دلفی-جمع‌آوری نظرات متخصصان- در مقاله عابدی و دیگران، روش سناریونگاری با نرم‌افزار LEAP در مقاله رازینی و دیگران، روش سناریونگاری GBN در مقاله تبیین آینده اقتصادی ایران.

در حوزه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل هم مقالاتی با استفاده از روش آینده‌پژوهی به نگارش درآمده‌اند ولی همچنان تعداد این مقالات و حوزه‌های مورد مطالعه آن محدود است. «آینده‌پژوهی ثبات سیاسی ایران» از عبدالمحمود محمدی لرد (محمدی لرد، ۱۳۹۳)، «آینده‌پژوهی سیاست خارجی: کد/ ژنوم‌های ژئوپلیتیک ایران و همسایگان» (خلیلی و دیگران، ۱۳۹۱)، «آینده‌پژوهی مناسبات ایران و آمریکا با بهره‌گیری از ریاضیات توزیع جایگشتی» (سیف‌زاده و سعید آبادی، ۱۳۹۰) و مقاله «پیوند آمریکا، ناتو و سایر ساختارهای بین‌المللی با نگاهی به آینده‌پژوهی در روابط بین‌الملل» از نمونه‌های موفق کاربرد آینده‌پژوهی در حوزه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل است. نگارنده با نگاهی کلی به مقالات و مکتوبات فارسی، موردی مشابه تحقیق پیش‌روی که نگاهی آینده‌پژوهانه به سیاست خارجی عمان داشته باشد را مشاهده نکرده‌است، در بین منابع لاتین نیز اغلب مقالات که به آینده عمان نظر داشته‌اند به دور از متدولوژی خاص آینده‌پژوهی به نگارش درآمده‌اند و نیز از حیث محتوا سیاست خارجی عمان مرکز ثقل مقاله نبوده است و به طیف وسیعی از موضوعات پرداخته شده است. بنگرید به: (Common, 2011)، (Valery, 2015)، (Grappo, 2014)، (Kadhim, 2013)، (Oxford Analytica, 2012)، (Katzman, 2013).

۳. چارچوب نظری

نگاه صحیح نظری از الزامات انجام پژوهش و رسیدن به پاسخ مناسب است و با توجه به وضعیت خاص هر مورد بررسی، نیاز به تعدیل‌هایی در نظریات مختلف وجود دارد. این پژوهش نیز از این قاعده کلی مستثنی نیست و از چارچوب نظری ترکیبی استفاده می‌کند. در این پژوهش برای بررسی عوامل اثرگذار بر سیاست خارجی عمان از چارچوب نظری جیمز روزنا بهره می‌بریم. مطابق نظریه پیوستگی روزنا، پنج دسته

عوامل در شکل‌گیری سیاست خارجی موثر هستند که این عوامل عبارتند از: فرد، نقش، ساخت حکومت، عوامل غیرحکومتی و عوامل خارجی (Rosenau, 1971: 310-330).

عامل فرد به معنای ویژگی‌های شخصی و شخصیت تصمیم‌گیر، نقش به معنای نقش و جایگاه تصمیم‌گیر، ساخت حکومت به معنای ساختار سیاسی و اختیارات تصمیم‌گیر، عوامل غیرحکومتی شامل جغرافیا، تاریخ، ویژگی‌های اجتماعی و گروه‌های ذی‌نفوذ و عوامل خارجی شامل قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی موثر بر سیاست خارجی هستند. البته همه این عوامل در همه کشورها به یک میزان اثرگذار نیستند و با توجه به ویژگی‌های ملی و اجتماعی اثرگذاری متفاوتی دارند. به همین منظور نیازمند نظریه دیگری هستیم که از بین این عوامل، مهمترین‌ها را در عمان برای پژوهشگر مشخص کند. به این منظور از نظریه نئوپاتریمونالیسم استفاده می‌شود. نئوپاتریمونالیسم، گونه تازه پاتریمونالیسم در نظام‌های سنتی است. ماکس وبر، پاتریمونالیسم را گونه‌ای از حاکمیت سیاسی سنتی می‌داند که در آن یک خاندان شاهی، با دستگاه عریض و طویل اداری و کاربرد زور، اعمال قدرت می‌کند. وبر، پاتریمونالیسم یا «سلطه موروثی» را بیشتر برای کشورهای خاورمیانه مطرح می‌کند و بر آن است که ابتدایی‌ترین ساخت سیاسی سنتی با فرمانروایی یک تن بر قبیله شکل می‌گیرد و دستگاه اداری - اجرایی، به گونه مستقیم از اعضای پرشمار خانواده پدرسالار پدید می‌آید. افزایش اعضای این بوروکراسی بزرگ و دگرذیسی آنان به کارگزاران حکومت، ساخت پدرسالارانه را به ساخت پاتریمونالیسم مبدل می‌سازد (وبر، ۱۳۷۴: ۳۹۴-۳۴۵). ساموئل هانتینگتون ویژگی برجسته نظام‌های نئوپاتریمونالیسم را «تمرکز قدرت در فرمانروا» می‌داند و بر آن است که اعمال قدرت در این گونه نظام‌ها، بستگی به نزدیکی به فرمانروا، دسترسی به او و برخورداری از پشتیبانی او دارد. وی برخی از ویژگی‌های این گونه نظام‌ها را سرپرستی، خویشاوندگرایی، رفیق‌بازی و فساد می‌داند (هانتینگتون، ۱۳۷۰: ۹۱).

1. Neopatrimonialism
2. Max Weber
3. Samuel P. Huntington

پس از جنگ جهانی دوم، شماری از شارحان نظرات وبر، همچون خوان لینز،^۱ هوشنگ شهابی، جیمز بیل،^۲ راینهارد بندیکس،^۳ احمد اشرف،^۴ جک گلدستون و^۵ بریان ترنر؛ برای نشان دادن درستی نظرات او درباره کشورهای آسیایی و آمریکای لاتین، کوشش چشمگیر کردند (ازغندی، ۱۳۸۵: ۲۷). برخی از این پژوهشگران میان نظام‌های پاتریمونیال و نئوپاتریمونیال تفاوت‌هایی قائل شده‌اند. از دید خوان لینز، نظام‌های نئوپاتریمونیال که از دل مناسبات مدرن برآمده‌اند، سیمایی تندروتر و شخصی‌تر به خود می‌گیرند. گذشته از آن، در بیشتر نظام‌های نئوپاتریمونیال، نمادهای رسمی و نهادهای به‌ظاهر دموکراتیک برقرار است، ولی قدرت اصلی همچون گذشته در دست فرمانرواست. این‌گونه دولت‌ها، نظام اقتصادی ناروشن و پایگاه اجتماعی محدود دارند. نظام نئوپاتریمونیال همچنین آمیزه‌ای از خویشاوندپروری، رفیق بازی، دادن پاداش و امتیاز برای به دست آوردن وفاداری، پشتگرمی به نیروهای خارجی و آسیب پذیر بودن دولت در برابر نیروهای اجتماعی است (شهابی، ۱۳۸۰: ۱۹-۲۴). در مجموع، ویژگی‌های این گونه نظام‌ها را چنین می‌توان برشمرد:

شخصی بودن قدرت، اندک بودن نهادمندی سیاسی، انحصار سیاسی، رسمی نبودن مناسبات، وجود شبکه خاصه بخشی، پشتگرمی به ارتش و نیروهای امنیتی، دیوان سالاری و پیروی از سیاست ایجاد پراکندگی و تنش میان هواداران و مخالفان (شرابی، ۱۳۸۰).

با توجه به توضیحات ذکر شده، براساس نظریه روزنا و با تأکیدات نئوپاتریمونیالیسم، پیشران‌های مورد تأکید در این پژوهش، شخصیت و ویژگی‌های فردی حاکم و تغییرات حاکمان و نقش حاکم (به‌عنوان مهمترین عوامل)، ساخت سیاسی حکومت عمان، عامل ژئوپلیتیک به‌عنوان مهمترین بخش از عوامل غیرحکومتی در کشوری با وضعیت عمان، و تاثیر عوامل شورای همکاری، آمریکا و ایران به‌عنوان

1. Juan Linz
2. James Bill
3. Reinhardt Bendix
4. Jack Goldstone
5. Bryan turner

عوامل خارجی در نظر گرفته خواهد شد. بر این اساس به نظر می‌رسد این ترکیب بهترین امکان توضیح شکل‌گیری و تغییر داخلی سیاست خارجی عمان را داشته باشد.

۴. روش پژوهش

آینده به مفهوم قطعیت‌ها و لایدها نیست؛ بلکه آمیزه‌ای از ممکن‌ها و محتمل‌ها و حتی مقوله‌های تازه و نوپدید است؛ با این حال، می‌توانیم دانش و ادراک خود از این امکان‌ها و احتمال‌ها را افزایش دهیم. آینده‌پژوهی دانش و مقوله‌ای میان رشته‌ای است که در پی یکپارچه‌سازی اقدام‌ها و ارزش‌ها است. آینده‌پژوهی «دانش اقدام» است که آینده‌پژوهان در چارچوب و قلمرو آن می‌کوشند، آینده‌های ممکن را بر پایه روندهای موجود و دیگر داده‌های علمی، پیش‌بینی و یا کشف کنند و از سویی، این آینده‌های ممکن را در پرتو ارزش‌های انسانی مورد توجه قرار دهند و از این رهگذر، برنامه‌ها و سیاست‌هایی را برای تحقق دلخواه‌ترین ممکن پی‌ریزی کنند. در فهرست مفروضات پیش‌گفته می‌توان گزاره‌های فراوانی را مشاهده کرد مویده این عبارت است: (خزایی و محمودزاده، ۱۳۹۲: ۷۹) «آینده، یعنی ممکن‌ها»؛ ممکن‌هایی که می‌توانیم آن‌ها را ارزیابی کنیم و تصمیم‌هایی را برای آن‌ها پیشه‌سازیم، به‌گونه‌ای که ممکن‌ها به دلخواه‌ترین آینده‌ها مبدل شوند و سرانجام به برنامه‌ها و اقدام‌هایی، فرجام یابند. این تصمیم‌های ما است که آینده را رقم می‌زند (خزایی و محمودزاده، ۱۳۹۲: ۸۰).

درمقابل جبری که تفکر عوام بر آن استوار است، آینده‌نگاری تئوروی برای شکل‌دهی به آینده حتی در زمان‌های بحرانی و آشوبناک در اختیار قرار می‌دهد. کسانی که قادرند تفکری نسبت به آینده و زمان پیشرو داشته باشند نسبت به نسل ماقبل خود زندگی بهتری خواهند داشت، بدان سبب که آن‌ها برای بهره‌برداری از مزایای فرصت‌های جدیدی که پیشرفت‌های سریع فناوری و اجتماعی ایجاد می‌کنند، آماده‌اند (حافظی و اسمعیل‌زاده، ۱۳۹۳: ۳).

سناریو؛ چهره آینده است. پیش‌گویی نیست، هدف سناریوسازی، گسترش تفکر در مورد آینده و عریض‌تر کردن طیف آلترناتیو‌هایی است که می‌تواند مورد نظر ما باشد. سناریو مجموعه امکاناتی است که به آینده مرتبط می‌شوند. آینده نامعلوم است و سناریو، اندیشیدن در مورد نامعلومی را به ما می‌آموزد.

سناریونگاری روش بسیار مؤثر و مفیدی برای برنامه‌ریزی میان‌مدت و بلندمدت در شرایط عدم قطعیت است. این روش به واحدهای تحلیل کمک می‌کند که علاوه بر تهیه برنامه‌ریزی‌های متعدد برای رویدادهای غیرمترقبه، جهت‌گیری درستی نسبت به سیر رویدادهای آینده داشته و بنابراین موضوعات مهم و درستی را در کانون توجه خود قرار دهند. (هانس، ۱۳۸۶: ۳۸). در حقیقت سناریوها را می‌توان برای اهداف متعددی به کار برد. در این حالت رسیدن به نتایج عملی در کانون توجه است. سناریوها شاید انگیزه‌بخش اکتشاف ایده‌های بهتر و جدید یا فیلتری برای ارزیابی ایده‌ها و پروژه‌ها باشند. در این موارد، عملکرد سناریوها درون فرایند اقدامات جدید ظهور می‌کند. اما سناریوها را می‌توان برای ارزیابی نیز به کار برد. به‌عنوان مثال: ارزیابی استراتژی‌ها و رفتارهای موجود یک واحد تحلیل.

در سناریونگاری روش‌های مختلفی چون منطق شهودی، منطق تأثیر بر روندها و منطق تأثیرات متقابل وجود دارد که ما در این مقاله از روش سناریونگاری منطق شهودی استفاده می‌کنیم. بر اساس منطق شهودی نیروهای پیش‌برنده سناریوها از دل متغیرهای عامل، بر اساس شدت عدم قطعیت و نیز درجه اهمیت برای موفقیت موضوع یا تصمیم انتخاب می‌شوند. پس از بازیابی نیروهای پیش‌ران، منطق دهی به سناریوها و کشف سناریوی محتمل از میان سناریوهای ممکن پایان کار سناریونگاری شهودی خواهد بود. داده‌ها در رویکرد شهودی کیفی هستند و محدوده انتخاب منابع غیر محدود و باز است.

-
1. Scenario
 2. Intuitive logic

۵. عوامل شکل دهنده و تأثیرگذار بر سیاست خارجی عمان

قدم نخست در تدوین سناریو در واقع تعریف موضوع یا تصمیم‌های کلیدی واحد تحلیل است که می‌تواند تأثیرات بلندمدتی بر آینده سیستم مورد بررسی داشته باشد. موضوع اصلی تحلیل در این بخش این مساله است که سیاست خارجی عمان از چه عوامل مستقیم و غیرمستقیمی متأثر است و سویه سیاست خارجی عمان در دوره سلطان هیشم به کدام سوی است؟ در گام بعدی فهرستی از عواملی که بیشترین تأثیر مستقیم را بر سیاست خارجی عمان دارند را بررسی خواهیم کرد تا محرک‌های پیشران سناریوها را بازشناسی کنیم.

۱۸۳

عمده عوامل موثر بر سیاست خارجی عمان را می‌توان در دو دسته عوامل شکل دهنده درونی و عوامل بیرونی دسته‌بندی نمود. مطابق چارچوب نظری پژوهش، در باب عوامل اثرگذار بر سیاست خارجی یک کشور، عوامل درونی اثرگذار بر سیاست خارجی عمان عبارتند از شخصیت سلطان، ساخت سیاسی عمان اعم از نقش‌ها و نهادها و نیز ژئوپلیتیک کشور (گراهام، ۱۳۶۴: ۲۸۸-۲۶۶). ساختار منطقه‌ای خصوصاً شورای همکاری خلیج فارس و نیز ساختار نظام بین‌الملل نیز در زمره عوامل بیرونی اثرگذار بر سیاست خارجی عمان به‌شمار می‌آیند (Rosenau, 1971: 95-150)، که در ادامه بررسی خواهند شد.

۱-۵. شخصیت و نقش سلطان

کشور عمان یکی از نمونه‌های روشن تاریخی در باب اثرگذاری پادشاه بر جهت‌گیری‌های کلان سیاست خارجی است. سلطان سعیدبن تیمور در سال ۱۹۳۲ به‌جای پدر خود تیموربن فیصل که انگلیسی‌ها او را برکنار کرده بودند، به قدرت رسید. در این دوره سیاست خارجی عمان در پوسته انزوآگرایی قرارداشت (Akseki, 2010:28). زمینه نامساعدی که در منطقه خلیج فارس و خارج از آن، علیه سلطان سعیدبن تیمور وجود داشت، سبب شد که دولت محافظه‌کار انگلیس زمینه برکناری وی و موجبات سلطنت قابوس را فراهم آورد. در آغاز سلطنت وی نام سرزمین مسقط و



عمان به سلطنت‌نشین عمان تغییر یافت و علاوه بر انجام برخی اصلاحات اجتماعی و اقتصادی محدود، باب ارتباط و مرورده با سایر کشورهای جهان به‌خصوص همسایگان مفتوح گردید. سلطان قابوس پس از رسیدن به قدرت، سیاست خود را مبنی بر ترک انزوا و برقراری روابط با دنیای خارج و انجام پاره‌ای اصلاحات اعلام نمود. سلطان قابوس توانست که با نگاهی واقع‌گرایانه به محیط پیرامونی عمان پایه‌گذار راهبرد موازنه مثبت در سیاست خارجی باشد و تعاملی با حداقل تنش ممکن با قدرت‌های منطقه‌ای مانند ایران و عربستان و نیز قدرت‌های بین‌المللی داشته باشد. شخصیت آرام و منش صلح‌مدارانه شخص سلطان قابوس در پیگیری چنین سیاست خارجی غیرقابل چشم‌پوشی است. (Valeri, 2014: 1).

سلطان هشتم بن طارق، پسرعموی سلطان قابوس، مدت‌ها در سمت وزیر فرهنگ و معارف مشغول به کار بوده است. به لحاظ شخصیتی مشهور است که جهتگیری‌اش با عربستان و امارات همراستا نیست و علاقه زیادی به همکاری با شورای همکاری خلیج فارس ندارد. این موضوع می‌تواند باعث ایجاد تنش‌های جدید در منطقه شود. این شخص درس خوانده انگلستان است و با پادشاهی انگلیس رابطه نزدیکی دارد. در آخرین سفر، میزبان دربار انگلستان در عمان بوده و سفرهای متعددی به انگلستان دارد (Vera and others, 2020). سلطان هشتم برخلاف دو برادر ناتنی‌اش، سابقه نظامی‌گری نداشته و بیشتر مشغول تجارت، فرهنگ و امور خارجی بوده است. او سابقه تحصیل در اکسفورد را داشته و مانند سلف خود، به علاقه به فرهنگ به‌خصوص موسیقی و اوپرا شناخته می‌شود. ارتباط او مانند همه پادشاهان اخیر عمان با خاندان سلطنتی انگلیس قوی است و می‌تواند تضمینی برای تداوم نفوذ انگلستان بر سیاست سلطنت‌نشین عمان باشد (Bianco, 2020). سلطان هشتم سیاست خارجی خود را ادامه راه سلطان قابوس اعلام کرده است و به نظر می‌رسد رویکردی محافظه‌کارانه به تحولات سیاست خارجی داشته باشد (Hubbard, 2020).

۲-۵. ساخت سیاسی عمان

نوع رژیم سیاسی هر کشوری نقش قاطعی در شکل‌دهی به سیاست خارجی آن خواهد داشت. برای نمونه در نظام‌های بسته هیئت حاکمه با دستکاری افکار عمومی، حمایت

گسترده مردمی را برای چرخش‌های استراتژیک در سیاست خارجی جلب کرده و از آنجا که ساختار تصمیم‌گیری در این دسته از کشورها معمولاً به چند نفر به‌خصوص محدود است انتظار تصمیمات آنی از آن دور از ذهن نیست (باربر و اسمیت، ۱۵۵: ۱۳۸۴).

سلطنت عمان تا نوامبر سال ۱۹۹۶ میلادی فاقد قانون اساسی بود و تنها براساس فرامین سلطانی که در آن چگونگی تشکیل وزارتخانه‌ها و نهادهای دولتی مشخص شده بود، اداره می‌شد. به دنبال صدور فرمان قانون اساسی متشکل از هفت فصل و ۸۱ ماده نظام سلطنت عمان موروثی تعیین شد (valery, 2006:158). فصول این قانون عبارتند از: دولت و سیستم حکومت، اصول هدایت‌کننده سیاست دولت، حقوق و وظایف عمومی، رئیس دولت، مجلس عمان، نظام قضایی و مفاد کلی. بر اساس ماده ۴۱ این قانون شخص سلطان رئیس کشور و فرمانده کل نیروهای مسلح بوده، دارای مصونیت است، احترام به او واجب و اوامر وی مطاع است. همچنین وی رئیس شورای وزیران است و اختیار نصب و عزل معاونین نخست وزیر، وزراء، معاونین وزراء، مدیران کل وزارتخانه‌ها، قضات عالی‌رتبه و سفرا را بر عهده دارد (Oman's Constitution, 2020). این قانون در سال ۲۰۱۱ و در پاسخ به اعتراضات در کشورهای عربی کمی تغییر کرد و متممی به امضای سلطان قابوس به آن اضافه شد. در این متمم در پنج بخش تغییراتی در نظام سیاسی عمان داده شد که مهمترین آن‌ها، بخش پنجم متمم بود که به ماده ۵۸ قانون اساسی می‌پرداخت و تعاریف، وظایف و اختیارات مجلسین عمان را توضیح می‌داد. با این تغییرات، این ماده قانون اساسی به بزرگترین ماده آن تبدیل شد و نوید یک نظام سیاسی مرفقی را برای آینده عمان میداد (Omani Ministry of Legal Affairs official site, 2011). البته این موارد تا زمان مرگ سلطان قابوس تاثیر واقعی بر سیاست عمان نداشت و این کشور همچنان در اختیار کامل سلطان اداره می‌شد.

۳-۵. ژئوپلیتیک عمان

ژئوپلیتیک، مطالعه تاثیر عوامل جغرافیایی بر سیاست دولت‌هاست. دولت‌ها با توجه به ملاحظات جغرافیایی خود سیاست‌گذاری می‌کنند. عوامل جغرافیایی متعدد هستند و

یکی از آن‌ها موقعیت جغرافیایی است. موقعیت جغرافیایی کشورها نقش مهمی در سیاست خارجی آن‌ها دارد (جعفری ولدانی، ۱۳۸۹: ۳۸).

عمان در مرکز پرتددترین منطقه دریانوردی میان شبه‌قاره هند و آفریقا قرار دارد، دو منطقه‌ای که بالاترین رشد جمعیت و شاید بالاترین رشد طبقه متوسط در دهه‌های آینده را دارد. علاوه بر این، عمان در کنار خود دو همسایه قدرتمند رقیب را دارد که داعیه قدرت منطقه‌ای را دارند. به هیچ‌وجه جای تعجب نیست که با این وضعیت ژئوپلیتیکی عمان سیاست خارجی آرام و میانه‌ای را دنبال کند (Kaplan, 2013). به این مورد می‌بایست همجواری عمان با تنگه استراتژیک هرمز را نیز اضافه کرد. در میان تنگه‌های استراتژیک جهان، تنگه هرمز به دلیل عبور نفتکش‌ها، مهم‌ترین گذرگاه استراتژیک جهان است. امنیت قسمت شمالی عمان یعنی شبه جزیره مسندم به امنیت این تنگه به شدت وابسته است (آدمی و مختاری، ۱۳۹۶: ۲۲۰-۲۲۸) و در نمایی بزرگتر همجواری عمان با تنگه هرمز باعث شده که ایران به عنوان همسایه شمالی تنگه و ایالات متحده به عنوان قدرت تضمین‌دهنده امنیت دریایی منطقه در گستره سیاست خارجی عمان از جایگاه شاخص تری برخوردار شوند (جعفری ولدانی، ۱۳۸۹: ۴۲). اگرچه این موارد موقعیت جغرافیایی عمان را نسبت به دیگر همسایگانش متفاوت ساخته است و تاثیراتی بر سیاست‌های داخلی و خارجی عمان داشته است اما به تنهایی توضیح‌دهنده سیاست خارجی عمان نمی‌تواند باشد و در کنار دیگر عوامل باید مورد معنایی قرار گیرد.

۴-۵. ترتیبات منطقه‌ای و بین‌المللی موثر بر سیاست خارجی عمان

بر اساس چارچوب نظری مختار این پژوهش باید به عوامل منطقه‌ای و بین‌المللی موثر بر سیاست خارجی عمان نیز پرداخته شود. از زمانی که شورای همکاری خلیج فارس تشکیل شد، عمان با شرط اینکه به بحران‌ها و مناقشات عربی-عربی و دسته‌بندی‌های عربی-ایرانی ورود نکند، به عضویت آن درآمد. ضمن آنکه عمان از ۱۹۸۵، مشی سیاسی روشن تری نسبت به مسائل منطقه‌ای در پیش گرفت و با حفظ موضع بی‌طرفانه خود، در جهت تشنج‌زدائی در مسائل منطقه حرکت کرد. به عنوان مثال عمان در سال ۱۹۸۷ با نظر

عربستان مبنی بر قطع روابط دیپلماتیک کشورهای شورای همکاری خلیج فارس با تهران در پی ماجرای کشتار حجاج سرسختانه مخالفت نمود (جعفری ولدانی، ۱۳۸۴: ۵۶۳-۵۶۲). اما این مساله به هیچ وجه نافی این امر نیست که عمان به ضرورت وجود چنین سازمانی که بر اساس مقتضیات امنیتی درخواستی از نگرانی‌های کشورهای موسس آن تشکیل شده است متاثر نباشد.

در ارتباط با ایران می‌توان گفت که عمان رابطه تنگاتنگی میان حفظ امنیت تنگه هرمز و امنیت خود قائل است. این مسئله انگیزه این کشور را به داشتن روابط نزدیک و دوستانه با تهران تشدید می‌کند. عمان به این حقیقت واقف است که هرچه تغییر کند، عامل جغرافیایی تغییر نمی‌کند. نزدیکی جغرافیایی ایران و عمان در تنگه هرمز، دور افتادگی جغرافیایی عمان از جهان عرب و اهمیت ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژی تنگه هرمز عمان را ملزم به داشتن روابط حسنه با ایران کرده است (جعفری ولدانی، ۱۳۸۹: ۳۵).

عراق دیگر همسایه منطقه‌ای عمان است که خارج از شورای همکاری خلیج فارس دارای روابط پرفراز و نشیب با عمان بوده است. تا قبل فروپاشی نظام بعثی عراق، عمان روابطی نه چندان گرم با این کشور داشته و همواره با ظن و تردید به سیاست‌های منطقه‌ای عراق چشم دوخته بود. ریشه این بدگمانی عمان بر می‌گشت به حمایت دولت عراق از شورشیان چپ‌گرای ظفار در زمان جنگ داخلی عمان (نعیمی ارفع، ۱۳۷۰: ۸۵). اما پس از روی کار آمدن دولت جدید در عراق عمان سعی کرد با فاصله گرفتن از سیاست‌های تند ریاض در قبال عراق رویکرد متعادلی به اتفاقات و بحران‌های عراق داشته باشد.

کشور اثرگذار مهمی که جایگاه ممتازی در سیاست خارجی عمان دارد ایالات متحده آمریکاست. روابط ایالات متحده با عمان دارای قدمتی حدوداً ۲۰۰ ساله است. عمان یکی از قدیمی‌ترین روابط را در بین کشورهای عربی با ایالات متحده داراست. پس از خروج بریتانیا از خلیج فارس ایالات متحده در جهت تحکیم موقعیت سیاسی خود در منطقه در سال ۱۹۷۴ اقدام به تاسیس نمایندگی دیپلماتیک در عمان نمود (Peterson, 2014: 3). در این راستا عمان در سال ۱۹۸۰ پیمان دفاعی ده ساله‌ای را با ایالات متحده بست که همواره تا به امروز تمدید شده است. این پیمان عملاً عمان را به

یکی از مهره‌های اصلی ترتیبات استراتژیک ایالات متحده در خلیج فارس و اقیانوس هند تبدیل کرده است (آنفان، ۱۳۷۹: ۴۰۸).

۶. تحلیل نیروهای پیش‌ران

گام بعدی در تدوین سناریوها شناسایی نیروهای پیش‌ران تغییرات است. این نیروها در واقع به عوامل کلیدی و موثر شناخته شده در گام قبلی شکل بخشیده و وضعیت آن‌ها را مشخص می‌کنند. نیروها می‌توانند شامل نیروهای پیش‌ران تغییرات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، تکنولوژیکی، و زیست‌محیطی باشند. بنابر ماهیت عوامل شناخته شده اصلی قابل شناسایی هستند. در رویکرد منطق شهودی، عوامل کلیدی و روندهای پیش‌ران براساس دو معیار انتخاب می‌شوند: (Ogilvy, 1998: 7) نخست، درجه اهمیت برای موفقیت موضوع یا تصمیم اصلی و دوم، درجه عدم قطعیت احاطه‌کننده آن عوامل و روندها. عوامل پیش‌ران که در جدول زیر آمده است، نیروهای جانب‌بخش به سناریوها هستند.

پیش‌ران‌های داخلی	تغییرات حاکمان	شخص جانشین	پذیرش مردمی
پیش‌ران‌های محیطی	شورای همکاری	ایالات متحده	ایران

۱-۶. تغییرات حاکمان

نظام حکومتی پنجاه سال گذشته عمان مبتنی بر خواست و نگرش سلطان قابوس ایجاد شده بود. مقامات حکومتی نیز براساس نظر قابوس انتخاب می‌شدند و کنار می‌رفتند. بیشتر این مقامات سن بالایی دارند و در بیست سال اخیر مناسب خود را حفظ کرده‌اند. اینکه در دوره سلطان جدید، حاکمان و مشاوران تغییر کنند، نه تنها عجیب نیست بلکه به دلایلی چون سن بالای بعضی از آن‌ها، ضروری نیز به نظر می‌رسد. اما اینکه این افراد چگونه تغییر می‌کنند و چه کسانی جای آن‌ها را خواهند گرفت، بسیار مهم است. در این بین، تغییرات وزارت خارجه و وزیر خارجه، یوسف بن علوی از همه مهمتر است.

از دیگر مقامات اثرگذار، شاهزاده فهد بن محمود آل سعید معاون نخست‌وزیر و ژنرال سلطان بن محمد النعمانی وزیر دفتر سلطان هستند. شاهزاده فهد بن محمود آل سعید متولد

۱۹۴۴ است و از سال ۱۹۷۰ تاکنون سمت معاون نخست‌وزیر در امور کابینه را بر عهده دارد، فهد بن محمود یک سخنگوی مناسب و دیپلماتی ماهر در سلطنت عمان است و در بیشتر نشست‌ها به نیابت از سلطان از نمایندگان و مسئولان بین‌المللی استقبال کرده است. البته او از شاخه‌ای دیگر از خاندان آل سعید است و همچنین دارای همسری فرانسوی است؛ به این موارد می‌توان سن بالای او و عدم محبوبیت در نزد افکار عمومی را نیز اضافه کرد (aljazeera, 2020). این مسائل حذف او را محتمل می‌کند.

مهمترین افراد دیگر، دو فرزند طارق، عموی فقید قابوس خواهند بود. شهاب بن طارق بن تیمور آل سعید متولد ۱۹۵۶، به‌عنوان مشاور سلطان و همچنین رئیس شورای پژوهش‌های علمی عمان فعالیت می‌کند. وی پیشتر فرمانده نیروی دریایی عمان آن هم در سال ۱۹۹۴ تا ۲۰۰۴ میلادی بود. شهاب و البته هیثم، سلطان جدید، هر دو حاصل ازدواج دوم طارق هستند. اما برادر بزرگ سلطان جدید که حاصل ازدواج اول طارق نیز است و به این سبب دارای نفوذ بیشتری در خانواده است اسعد بن طارق آل سعید می‌باشد (Vera and others, 2020). اسعد فردی با زمینه نظامی است. او فارغ التحصیل آکادمی سندهورست است و در ارتش ریاست نیروی زرهی را بر عهده داشته است. او از سال ۲۰۰۲ تاکنون نماینده ممتاز سلطان در بسیاری از کنفرانس‌ها و مجالس بین‌المللی بوده است و همچنین در دیدار با سفراء، وزرا و افراد بلند پایه بین‌المللی نمایندگی سلطان را بر عهده داشته است. این فرد بر اساس پیشینه، سوابق اجرایی و خصوصیات فردی و فارغ از عوامل محیطی و درونی دیگر مایل به حفظ سیاست‌های داخلی و بین‌المللی عمان است (Grappo, 2015).

مهمترین اظهار نظر پادشاه جدید درباره استفاده از جوانان در حکومت جدید بوده است. این بخشی مهم از سند ۲۰۴۰ عمان برای توسعه و جدا شدن اقتصادش از تک محصولی و وابسته به درآمد نفتی بودن است. سلطان جدید عمان که خود مسئول تدوین این سند در زمان قابوس بوده، به خوبی از سختی اجرای آن خبر دارد. او به خوبی می‌داند که برای تحقق اهداف ترسیم شده این چشم انداز به حمایت‌های داخلی بیش از حمایت‌های خارجی نیاز دارد و به همین منظور برای افزایش درآمد سرانه ملی و کاهش نرخ بیکاری و جایگزینی نیروی کار عمانی به جای نیروی کار خارجی و تامین و توسعه

تولید و گردشگری و جذب سرمایه‌های خارجی در حال برنامه‌ریزی است و فرامین اخیر سلطنتی در زمینه تنظیم بازار نیروی کار نشان از این اهتمام ویژه دارد (Kutty, 2020).

در عمان شاهد بخش مدنی قدرتمند نیستیم و حتی سازماندهی‌های مبتنی بر ارتباطات جدید در بستر شبکه‌های اجتماعی نیز قدرت خاصی ندارد. شاهد این ماجرا نیز عدم تحرک این بخش در عمان در ناآرامی‌های سال ۲۰۱۱ است که اکثر کشورهای عربی را دچار تغییرات اساسی کرد (سیمبر و زیبایی، ۱۳۹۵: ۸). تنها محمل چنین تجمع و تحرکی، مشکلات اقتصادی است که گرچه عمان در حال حاضر در ثبات نسبی به سر می‌برد اما براساس پیش‌بینی‌های معتبر بین‌المللی، با ورود به بحران فاصله زیادی ندارد و کسری بودجه و بدهی عمومی آن وارد مرحله خطر شده است (world bank, 2020).

۲-۶. شخص جانشین

آنچه که از شمای کلی خاندان آل سعید و نیز نظر اکثر کارشناسان امور عمان مشهود است، جانشین سلطنت عمان توانایی پر کردن جای سلطان قابوس را نخواهد داشت و با مشکلات مشروعیتی، داخلی و خارجی متعددی روبرو خواهد شد (Vera and others, 2020) (Grappo, 2015) (Valery, 2015) (Katz, 2004).

هیثم بن طارق آل سعید، سلطان جدید عمان، متولد ۱۹۵۴ بوده از سال ۲۰۰۰ تاکنون وزیر فرهنگ و میراث است و پیش از آن از سال ۱۹۸۶ تا ۱۹۹۴ در سمت معاون دبیرکل و دبیرکل وزارت خارجه عمان فعالیت کرده و بارها در کسوت فرستاده ویژه دولت عمان در امور بین‌المللی حضور فعال داشته است. البته هیثم به موازات امور سیاسی بسیار در تجارت و امور اقتصادی فعال است و بحث‌هایی در باب سوء استفاده مالی و فساد اقتصادی او نیز شایع است (Hubbard, 2020). او درس خوانده آکسفورد است، به هنر و موسیقی گرایش زیادی دارد، در برنامه‌ریزی سند ۲۰۴۰ عمان نقش اساسی داشته و مسئول پروژه خارج کردن عمان از اقتصاد تک محصولی بوده که البته تا کنون در این خصوص موفق نبوده است. او همچنین مشهور به داشتن شخصیتی آرام و محافظه کار است، بسیار به خانواده سلطنتی انگلستان و سیاست‌های نزدیک بوده و

پسر بزرگش نیز درس خوانده دانشگاه آکسفورد و از مدیران وزارت خارجه عمان است (Bianco, 2020).

درباره سلطان هیثم در مورد حفظ سیاست‌های کلی عمان نمی‌توان با صراحت سخن به میان آورد. با این وصف که او بسیار در تجارت عمان فعال است و بخش‌های گردشگری، تبلیغات، رسانه، ارتباطات، خدمات انرژی و ساخت و ساز با نامش گره‌خورده است، (WikiLeaks, 2009) احتمال اینکه منافع وسیع اقتصادی سلطان هیثم در تعیین اصول سیاسی حکومتش موثر باشد، بسیار بالاست.

۱۹۱

۳-۶. پذیرش مردمی

سلطان جدید عمان فارغ از اینکه چه سیاستی دارد، مجبور به کسب وفاداری و جلب حمایت مردم است. سلطان هیثم در ابتدای مسیر خود می‌تواند در برابر چالش‌هایی قرارگیرد که از نظر اهمیت در حد چالش‌های ابتدای سلطنت قابوس است. عمانی‌ها به نسبت ۴۵ سال قبل، امروزه بسیار تحصیلکرده‌تر و درگیرتر در مسائل سیاسی و ملی کشور خود هستند و دارای مطالبات جدی از دولت‌اند. کسب وفاداری و بیعت از مردمی که بیش از ۸۰ درصد آن هیچ‌گاه سلطان دیگری جز قابوس را درک نکرده‌اند یکی از چالش‌های مهم دوران پساقابوسی است. بیعت گرفتن از مردم در عمان به شکل سنتی صورت می‌پذیرد و با دیدار سلطان با شیوخ قبایل عمانی تحقق می‌یابد. سلطان قابوس پس از برکناری پدرش در سال ۱۹۷۰ تا یک سال مشغول جلب اعتماد قبایل و بیعت گرفتن بود و حتی تا نرسیدن به این مهم از لفظ سلطان برای خود خودداری کرد (قاسمی نژادمایانی، ۱۳۷۳).

یکی از نکات مهم در این خصوص، سلطنت مطلقه قابوس در عمان است که ادامه یا عدم ادامه آن در نگاه مردمی اثر قابل توجهی دارد. برخلاف دیگر پادشاهی‌های منطقه، همه قدرت در عمان در اختیار قابوس قرار داشت و حتی وزرا در این کار نقشی نداشتند زیرا او همه مناصب اصلی را اشغال کرده بود. او پادشاه، نخست‌وزیر، وزیر دفاع، وزیر خارجه، وزیر کشور و فرمانده نیروهای مسلح بود. در حوزه اقتصاد، او وزیر اقتصاد و رئیس بانک مرکزی بود. به صورت خلاصه همه ارکان قدرت در دست او بود. جمله



مشهوری میان اندیشمندان عرب بود که «آل سعود عربستان را اداره می‌کند و آل صباح کویت را ولی عمان را قابوس اداره می‌کند». این روال در زمان سلطان هشتم قابل تداوم نیست. زیرا از سویی او مانند قابوس در خانواده‌اش بی‌رقیب نیست و دو برادر ناتنی دارد که هر کدام کاندیدای پادشاهی بودند و از سوی دیگر دو فرزند دارد که احتمالا سلطنت به آنها به ارث خواهد رسید. به همین سبب خانواده سلطنتی عمان بسیار بیشتر از دوران قابوس خواهان دخالت در اوضاع هستند. امری که در دوران قابوس وجود نداشت.

همچنین مشکلات اجتماعی در عمان رو به فزونی است. مشارکت اجتماعی جوانان نسبت به نقطه اوجش با ۷۶ درصد در سال ۲۰۱۱ کاهش پیدا کرده است، بدهی عمومی از ۵ درصد به ۵۶ درصد رسیده است، میزان بدهی دولت از ۵۰ میلیارد دلار رد شده است، و برخلاف دوران قابوس، شاه جدید دارای شخصیت کاریزماتیکی نیست که بتواند به راحتی این بحران‌ها را رد کند (Diwan, 2020). به همین سبب او در اولین اقداماتش با تغییر مقامات اقتصادی، که وزیر کشاورزی و شیلات از مهمترینشان بود، و تلاش برای سامان دادن به اوضاع سعی کرد افکار عمومی نسل جوان را با خود همراه سازد. ۵۰ هزار استخدام جدید دولتی در بخش امنیتی کار دیگر سلطان هشتم در روزهای نخست حکومتش بود (AlSherbini, 2020).

در صورتی که سلطان جدید با بحران مشروعیت داخلی روبرو شود قطعاً انتظار سیاست خارجی موازنه مثبت و به سان گذشته متعادل کمی دور از ذهن است؛ بحرین شاهد مثال خوبی برای این مطلب در منطقه است. مثال دیگر این موضوع در زمان ترور سردار سلیمانی اتفاق افتاد. چون هنوز اوضاع داخل عمان بعد از قابوس آرام نشده بود، امیر قطر به تهران آمد و سعی کرد میان ایران و آمریکا میانجی‌گری کرده و بحران را کاهش دهد؛ نقشی که به صورت سنتی عمان بازی می‌کرد.

۴-۶. شورای همکاری خلیج فارس

نوع نگاه شورای همکاری خلیج فارس خصوصا عربستان سعودی به تغییر سلطان در عمان حائز اهمیت است. در شرایطی که منطقه خلیج فارس به شدت تحت تاثیر حوادث یمن، بحرین، عراق و سوریه قطبی شده است، این احتمال وجود دارد که در ابتدای کار سلطان

جدید، توسط شورای همکاری خلیج فارس به‌ویژه عربستان، در جهت نمایش وحدت شورای همکاری در برابر آنچه که جاه‌طلبی‌های منطقه‌ای ایران نامیده می‌شود، فشار بر عمان در جهت هم‌نوا شدن بیشتر با شورا و فاصله گرفتن از ایران اعمال شود. این فشار در سایر بحران‌های منطقه‌ای دیگر نیز که عمان ساز ناکوک در شورا می‌دمد هم قابلیت به فعل درآمدن را دارد (Hubbard, 2020). در زمان سلطان قابوس علیرغم مخالفت‌ها و مواضع متفاوتی که عمان در شورا به نسبت سایر اعضا در موضوعات حاد منطقه‌ای داشته، فشارها بر عمان به نسبت پایین بوده و به‌نوعی مواضع متفاوت سلطان قابوس همچون رویه‌ای ناخوشایند اما معمول مورد پذیرش اعضا بوده است؛ اما این شرایط می‌تواند در دوره سلطان هیثم به نوعی دیگر رقم بخورد. به خصوص که سلطان جدید برای مدیریت ثبات در شرایط اقتصادی به کمک کشورهای حاشیه خلیج فارس نیازمند است. البته سلطان هیثم درباره ادامه راه قابوس در سیاست خارجی چندین بار سخن گفته است (Jafari, 2020).

۵-۶. ایالات متحده و ایران

ایالات متحده و ایران سال‌هاست که از سیاست موازنه مثبت سلطان عمان راضی هستند و همواره این سیاست را در جهت ثبات منطقه دانسته و از آن حمایت کرده‌اند. اما این مورد می‌تواند پس از سلطان قابوس دستخوش تغییر شود، به خصوص اگر فضای روابط ایران و آمریکا به تخاصم میل کند و شرایط ویژه‌ای را بر محیط پیرامونی عمان بار کند، این احتمال وجود دارد که سلطان تازه‌کار نتواند همانند سلطان مجرب و خلف خود تعادل روابط با این دو کشور را با هنرمندی گذشته در سیاست منطقه‌ای خود بکار گیرد. در این شرایط و با فشارهای احتمالی ایران و ایالات متحده دور از ذهن نخواهد بود که سلطان هیثم همچون سایر سلاطین حوزه خلیج فارس دست به انتخاب زده و از سیاست خارجی سنتی خود فاصله بگیرد. این امر در زمان سیاست فشار حداکثری ترامپ و سیاست مقاومت حداکثری جمهوری اسلامی معنای بیشتری می‌یابد. ایران و آمریکا در سال ۲۰۱۹ چندین بار تا آستانه جنگ محدود یا تمام عیار پیش رفتند و این امکان برای سال ۲۰۲۰ نیز دور از ذهن نخواهد بود به گمان بعضی اندیشمندان مشکل بزرگ میان این دو کشور در وجود حس عدم اعتماد طولانی موجود است (سیمبر و ملک محمدی، ۱۳۹۷: ۳۵-۳۶).

عمانی‌ها برخلاف دیگر کشورهای عربی منطقه که درباره توسعه طلبی ایران صحبت می‌کنند، از ایران به‌عنوان عاملی برای ایجاد توازن در برابر توسعه‌طلبی عربستان استفاده می‌کنند و معتقدند هرچقدر با ایران همکاری بیشتری صورت گیرد، رفتار ایران میانه‌روتر خواهد بود (Cafiero, 2020).

۷. سناریوهای احتمالی

پس از شناخت نیروهای پیش‌ران به مرحله منطبق‌دهی می‌رسیم. منطبق‌دهی به سناریوها در واقع سازمان‌دهی به موضوعات، اصول و مبانی و مفروضاتی است که به هر سناریو ساختاری منطقی یکپارچه، سازگار و قابل باور می‌بخشد. با بررسی عوامل و پیش‌ران‌های مختلف بر سیاست خارجی عمان در دوره جدید می‌توان به سناریوهای مختلفی رسید.

البته شایان تذکر است که با ادغام تمامی پیش‌ران‌ها با یکدیگر تعداد بسیار زیادی گزینه برای سناریوسازی شکل گرفت که از آن تعداد به ۴ سناریوی محتمل براساس منطق سیاست خارجی و اصول سناریونگاری شهودی رسیدیم. علاوه بر منطق سیاست خارجی و اصول سناریونگاری برای به‌چین نمودن سناریوها و جامعیت مجموع احتمالات از اعتباردهی کمی به سناریوها همانند طیف لیکرت در افکارسنجی استفاده نمودیم.

براین اساس سناریوهای محتمل درخصوص موضوع مقاله عبارتند از:

سناریو اول: بحران مطالبات مردمی، حمایت ناقص کانون‌های سستی قدرت از جانشین، پشتیبانی عربستان و شورای همکاری خلیج فارس از سلطان جدید: هم‌نوایی کامل با شورای همکاری خلیج فارس.

سناریو دوم: سرکوب بحران مطالبات مردمی، فشار منطقه‌ای و بین‌المللی: گرایش بازگشت به انزوای دورانی سلطان سعید بن تیمور.

سناریو سوم: پذیرش مردمی، حمایت کامل کانون‌های سستی قدرت از جانشین، حمایت منطقه‌ای و بین‌المللی: تداوم سیاست خارجی موازنه مثبت عمان.

سناریو چهارم: بحران مطالبات مردمی، افزایش بحران‌های محیطی عمان، افزایش تنش روابط تهران-واشنگتن: گرایش بیشتر به سمت ایالات متحده و حفظ استقلال بیشتر از شورای همکاری.

در ادامه هر کدام از این سناریوها به همراه جزئیاتش تشریح خواهد شد.

۱-۷. سناریو اول: هم‌نوایی کامل با شورای همکاری خلیج فارس

اگر شکاف خانوادگی درباره سلطان هیثم آشکار شود و از درون خاندان سلطنتی حاکم که هر یک دارای نفوذ سیاسی قابل توجه در کشور هستند، صدهای عدم رضایت شنیده شود؛ این مساله باعث بحران حمایت در بین کانون‌های سنتی قدرت، یعنی شیوخ قبایل، طوایف و نیز نیروهای امنیتی و نظامی خواهد شد. در این بین و با مناقشه پیش آمده، نیروهای مطالبه‌گر مردمی که خواهان تغییرات و اصلاح امور اجتماعی و خصوصاً اقتصادی هستند از فرصت پیش آمده استفاده نموده و درصدد پیشبرد خواسته‌های خود در برابر حکومت بر خواهند آمد که در حوادث سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۳ دنیای عرب مجال آن فراهم نشد. با انشقاق پیش آمده در سطوح بالای نظام سیاسی-امنیتی کشور و عدم وفاق اجتماعی به نسبت زمان قابوس، سلطان هیثم فاقد ابزارهای کارآمد برای سرکوب و فرونشاندن اعتراض‌ها در لایه‌های نظام سیاسی-اجتماعی عمان خواهد بود و در شرایط ملتهب منطقه عربی بسیار منطقی خواهد بود که سلطان جدید در صدد جلب حمایت منطقه‌ای و در راس آن، شورای همکاری خلیج فارس و عربستان برآید. در این شرایط عمان با هم‌نوایی کامل در سیاست خارجی با شورای همکاری و عربستان، همانند بحرین بحران مشروعیت داخلی را با چتر امنیتی و حمایتی شورا مهار و تثبیت خواهد نمود. باید توجه داشت که انجام چنین اقداماتی مغایر خواست جمهوری اسلامی است و از سوی دیگر ایالات متحده نیز نمی‌تواند حمایت میدانی موثری از سرکوب مردم داشته باشد.

۲-۷. سناریو دوم: بازگشت به انزوگرایی دوران سلطان سعید بن تیمور

سلطان هیثم اجماع نسبی خاندان سلطنتی و حمایت آن‌ها، نظام دیوانسالاری کشور و نهادهای سنتی قدرت (شیوخ قبایل، طوایف و نیروهای نظامی امنیتی) را دارا می‌باشد، اما نیروهای اجتماعی تحول‌خواه و اصلاح‌طلب در این زمان خواستار برآورده شدن مطالبات

سیاسی، اجتماعی و اقتصادی هستند که سال‌ها زیر سایه سلطنت قابوس بدان دست نیافته بودند. جانشین منتخب (هیثم) خود یکی از ارکان الیگارشی اقتصادی حاکم بر عمان است و سعی خواهد نمود با وفاق و حمایتی که کانون‌های سنتی قدرت از او خواهند کرد با سیاست سرکوب و اقتدار با اعتراضات برخورد نماید که این امر می‌تواند فشارهای بین‌المللی و منطقه‌ای را بر سلطان جدید و کم‌تجربه عمان وارد سازد. در این موقعیت عمان ترجیح خواهد داد که با هزینه کم کردن روابط خود با معترضین بین‌المللی به روند سرکوب خود ادامه دهد. چنین رویکردی در سیاست داخلی و خارجی عمان امر مسبوق به سابقه‌ای است که در زمان سلطان سعیدبن تیمور اتفاق افتاده است.

۳-۷. سناریو سوم: تداوم سیاست خارجی موازنه مثبت عمان

سلطان هیثم با اجماع داخلی خانواده سلطنتی و بدون تنش کارش را ادامه می‌دهد و حمایت کانون‌های سنتی قدرت را به‌همراه خواهد داشت، در روند پذیرش مردمی نیز، شخص سلطان با درک فضای مطالبه‌خواه و تحول‌طلب نسل جدید عمان، با قبول به اصلاحات و تحولات مورد درخواست نیروهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی با طبقه متوسط برسد. در این موقعیت و با اقتدار کاملی که در داخل برای سلطان هیثم وجود دارد، حمایت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی نیز به تبع ثبات سیاسی داخلی که در این انتقال آرام قدرت صورت پذیرفته از سلطان جدید به سیاق سلطان قابوس ادامه خواهد داشت و سیاست‌های اصولی عمان در سیاست خارجی منطقه‌ای و بین‌المللی همچنان تداوم خواهد داشت.

۴-۷. سناریو چهارم: گرایش بیشتر به سمت ایالات متحده و حفظ استقلال بیشتر از

شورای همکاری

مخالفت تدریجی در خانواده سلطنتی در فرایند انتخاب سلطان هیثم زیاد شده و به موازات آن بحران مطالبات مردمی و بحران نفوذ نیز در کشور بوجود آمده است. در صورت ناامنی بیشتر منطقه خلیج فارس توسط کانون‌های بحرانی آن خصوصاً یمن و سرریز شدن این بحران‌ها به محیط امنیتی عمان، مسقط با ناامیدی مزمینی که همواره به سازوکارهای امنیتی دسته‌جمعی منطقه خلیج فارس داشته، سعی خواهد نمود با استقلال عمل بیشتر نسبت به

همسایگان پرتنش خود نگاه ویژه‌تری به روابط راهبردی خود با ایالات متحده داشته باشد و در صورت افزایش تنش در روابط تهران - واشنگتن، باتوجه به شرایط منطقه‌ای و احساس ناامنی که سلطان هیثم از محیط پیرامونی عمان دارد، سخت است که رویکرد میانه‌رو سلطان پیشین از سوی او ادامه یابد.

نام سناریو	پیش‌ران داخلی	پیش‌ران خارجی	پیش‌ران نادیده گرفته شده	نقطه کانونی سناریو	صبغه تاریخی
۱- هم‌نوایی کامل با شورای همکاری خلیج فارس	کیفیت - جانشینی - پذیرش مردمی	شورای همکاری خلیج فارس	شخص جانشین - ایران - ایالات متحده	بحران مشروعیت	ندارد
۲- بازگشت به انزوگرایی	کیفیت - جانشینی - شخص جانشین - پذیرش مردمی	ایران - ایالات متحده - شورای همکاری خلیج فارس	-	سرکوب داخلی	دارد
۳- تداوم سیاست خارجی موازنه مثبت	کیفیت - جانشینی - شخص جانشین - پذیرش مردمی	ایران - ایالات متحده - شورای همکاری خلیج فارس	-	اصلاحات سیاسی	دارد
۴- گرایش به ایالات متحده	کیفیت - جانشینی - پذیرش مردمی	ایالات متحده - ایران	شورای همکاری خلیج فارس	بحران منطقه‌ای	ندارد

۸ نتیجه‌گیری و سناریوی محتمل

سلطان‌نشین عمان به‌لحاظ ساخت سیاسی دارای مدلی آشنا برای پژوهشگران حوزه خلیج فارس است. شخصی بودن قدرت و انحصار آن تحت لوای دیوانسالاری متمرکز خویشاند محور، اتکا به نیروی قاهره سخت به‌عنوان نیروی مرکزی مشروعیت نظام و نظم سیاسی - اجتماعی بر پایه سنت‌های قبیله‌ای، عمان را یکی از نمونه‌های درخشان نظام پدر شاهی نوین (نئوپاتریمونیاالیسم) نموده است که در آن علیرغم موثر بودن نهادهای بوروکراتیک و سایر نهادهای اجتماعی بر سیاست‌گذاری و تصمیم‌سازی، همچنان نهاد سلطنت و شخص

سلطان است که با فاصله بسیار زیاد، مصدر تصمیمات مهم حکومتی اعم از داخلی و یا خارجی است. سیاست خارجی عمان با وجود آنکه از حیث ماهیت امر، به‌طور طبیعی تحت تاثیر عوامل داخلی و محیطی شناخته شده‌ای است، اما نوع نگاه شخص سلطان و جایگاه نهادی آن مهمترین عامل در جهت‌گیری‌های کلان سیاست خارجی کشور تا به امروز بوده است.

بر اساس مدلی که در این پژوهش دنبال شد، مهمترین تکانه‌هایی که می‌توانند در دوره سلطان هشتم، رویکرد موازنه مثبت عمان در سیاست خارجی را تحت‌تاثیر قرار دهد، در دو بعد داخلی و خارجی مورد بازشناسی قرار گرفت. در بعد داخلی چگونگی و کیفیت فرایند جانشینی، شخص جانشین و پذیرش و مقبولیت مردمی سلطان هشتم، و در بعد خارجی کنشگران منطقه‌ای و بین‌المللی موثر که عبارتند از شورای همکاری خلیج فارس، ایران و ایالات متحده عمده نیروهای پیش‌ران بر جهت‌گیری سیاست خارجی عمان به حساب می‌آیند.

بر اساس تحلیل و ترکیب احتمالی نیروهای پیش‌ران مذکور و بافت سیاسی-اجتماعی عمان و با توجه به تاریخ و سنت‌های مسبوق به سابقه این کشور در سیاست خارجی خود، چهار سناریوی ممکن برای سیاست خارجی عمان در دوره سلطان هشتم مورد شناسایی قرار گرفت. شایان تاکید است که سناریوهای تدوین شده تنها بر مبنای ترکیب محتمل نیروهای پیش‌ران مورد انتخاب محقق قرار نگرفت و این صبغه سیاست خارجی عمان و واقعیات داخلی و پیرامونی کشور است که منطبق اصلی و مبنای انتخاب و نگارش سناریوها را تشکیل داده است.

سناریوی «همنوایی کامل با شورای همکاری خلیج فارس»، بر بحران مشروعیت داخلی سلطان جدید که متأثر از تنش در فرایند جانشینی، فشار مطالبات تجمیع شده مردم و عدم حمایت قاطعانه نهادهای سنتی قدرت از وضع جدید استوار است. در این سناریو محتمل‌ترین نیروی حامی سلطان هشتم در بعد خارجی شورای همکاری خلیج فارس خواهد بود و ضریب بالای این احتمال در این وضعیت، برآوردی است که از نوع تعامل خاص کشورهای حوزه خلیج فارس با شورای همکاری و خصوصاً عربستان ناشی شده است. به دلیل بافت سیاسی تقریباً همگون کشورهای عضو شورای همکاری، مهمترین و در دسترس‌ترین نیروی حامی خارجی که می‌تواند دست‌آویز سلطان جدید برای عبور از بحران

مشروعیت باشد و نیز حساسیت کمتری هم در داخل در پی داشته باشد اعضای شورای همکاری، خصوصاً عربستان خواهد بود. بحران بحرین نمونه نزدیک و متاخری از این نوع از مناسبات به‌شمار می‌آید.

سناریوی «بازگشت به دوران انزوا» برگرفته از سنت ماقبل سلطان قابوس است. در این سناریو، نقطه کانونی شخصیت و جایگاه شخص سلطان است، فاصله قابل توجهی که سلطان جدید با سلف خود دارد بستر اجتماعی مناسبی را فراهم خواهد آورد که در آن نیروهای اجتماعی در پی دستیابی به مطالبات خود باشند. در این فضا سلطان هیشم که دارای منافع اقتصادی قابل ملاحظه‌ای است و پشتوانه نهادهای سستی قدرت را به همراه خود دارد، زمینه را برای سرکوب فعالان سیاسی و اجتماعی از سوی مراکز سستی قدرت فراهم می‌سازد. در این سناریو دولت استراتژی انزواگرایی در سیاست خارجی را در پیش گیرد. نکته قابل ملاحظه در این سناریو این مطلب است که شدت انزواگرایی عمان متفاوت از آن چیزی خواهد بود که در دوران سلطان تیمور به وقوع پیوست. عمان امروز به دلیل ادغام بیشتر با جامعه بین‌المللی نمی‌تواند انزواگرایی قبل از قابوس را عیناً بازآفرینی کند اما این امکان به قوت خود باقی است که رگه‌هایی از انزواگرایی دوباره بر جهت‌گیری کلی سیاست خارجی عمان سایه افکند.

در سناریوی «تداوم سیاست خارجی» هم در فرایند جانشینی و هم در پشتیبانی نهادهای سستی و جدید قدرت سلطان جدید با تلاطمی مواجه نخواهد شد و در عین حمایت این نهادها، در مقابل نیروهای تحول‌خواه نیز مصالحه و وفاق به‌عنوان راه‌حل مناسب در نظر گرفته خواهد شد. در شرایطی که متغیرهای اساسی تکانه‌های منفی را بر پیکره نظم سیاسی داخلی عمان وارد نسازند، در زمان سلطان هیشم روند سیاست خارجی عمان بسان گذشته ادامه خواهد یافت.

در سناریو چهارم، «گرایش به ایالات متحده و استقلال بیشتر از شورای همکاری»، نقطه کانونی بحث عدم اطمینان از برآورده شدن و تامین نیازهای امنیتی کشور با اتکا بر نیروهای داخلی و منطقه‌ای است. در صورت بالا گرفتن تنش‌ها در محیط پیرامونی عمان، همچون تنش مابین ایران و ایالات متحده، ایران و عربستان و یا بحران یمن و عربستان که امکان سرایت آن به عمان نیز وجود دارد، و همچنین ناآرامی‌های داخلی در پی روی کار آمدن

سلطان هیثم، عمان را در جهت مستحکم کردن چتر امنیتی خود و فاصله گرفتن از کانون‌های بحران‌زای منطقه‌ای بیشتر به واشنگتن متمایل خواهد کرد.

در جمع‌بندی باید گفت که تغییر در سیاست خارجی کنونی عمان مستلزم به‌وقوع پیوستن تکانه‌هایی است که در این مقاله بدان پرداخته شد. اگر متغیرهای پیش‌رانی همچون عدم حمایت شورای همکاری خلیج فارس از سلطان جدید، انشقاق میان مراکز سستی قدرت در جهت حمایت از سلطان هیثم، ناامنی فزاینده در محیط منطقه‌ای عمان که خاصیت سرریز شدن به داخل را داشته باشند، وقوع اعتراض و اغتشاش طبقه متوسط شهری در پی استیفای مطالبات و سرکوب آن توسط حکومت و تنش فزاینده میان ایران و آمریکا به موازات رشد ناامنی منطقه‌ای برای عمان به وقوع نپیوندد (این امر حاصل پژوهشی مفصل درخصوص ارزیابی امکان وقوع تکانه‌های ذکر شده است که توضیح آن‌ها در این مجال خارج از حوصله نوشتار می‌باشد)، سناریوی تداوم سیاست خارجی کنونی عمان در دوره سلطان هیثم سناریوی محتمل و مطلوب خواهد بود.

منابع

- آدمی، علی و مختاری، مجید. (۱۳۹۶). «الزامات اقتصادی توسعه روابط ایران و عمان»، *فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل*، دوره اول، شماره ۲۳، بهار.
- آیسن، گراهام. (۱۳۶۴). *شیوه‌های تصمیم‌گیری در سیاست خارجی: تفسیری بر بحران موشکی کوبا*، ترجمه منوچهر شجاعی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- آنفان، پل‌بودن. (۱۳۷۹). *شبه جزیره عربستان در حال حاضر*، مترجم: ابولحسن سرو قد مقدم، جلد دوم، آستان قدس رضوی.
- ازغندی، علیرضا. (۱۳۸۵). *درآمدی بر جامعه‌شناسی ایران*، تهران: نشر قومس.
- اسدی، علی اکبر. (۱۳۸۹). «شورای همکاری خلیج فارس: سیاست خارجی و روندهای داخلی»، *پژوهشنامه ۲۸*، معاونت پژوهش‌های سیاست خارجی مرکز تحقیقات استراتژیک، شماره ۲۸.
- باربر، جیمز، و اسمیت، مایکل. (۱۳۸۴). *ماهیت سیاست‌گذاری خارجی در دنیای وابستگی متقابل کشورها*، ترجمه: حسین سیف‌زاده، تهران: نشر قومس.

جعفری ولدانی، اصغر. (۱۳۸۴). *نگاهی تاریخی به جزایر ایرانی تنب و ابوموسی*، چاپ دوم، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

جعفری ولدانی، اصغر. (۱۳۸۹). «ژئوپلیتیک تنگه هرمز و روابط ایران و عمان»، *پژوهشنامه علوم سیاسی*، سال پنجم، شماره ۳.

جعفری ولدانی، اصغر و ولدانی، رامین. (۱۳۹۱). «تحلیلی بر ژئوپلیتیک مرزهای عمان با کشورهای هم‌جوار»، *پژوهشنامه علوم سیاسی*، سال هشتم، شماره ۱، زمستان.

چمنکار، محمدجعفر. (۱۳۹۳). «بنیاد امامت و سلطنت خاندان ابوسعیدی مسقط و عمان و چالش‌های حکومت‌های ایران در حوزه خلیج فارس و دریای عمان»، *پژوهشنامه تاریخ*

های محلی ایران، دوره ۳، شماره پنجم، پاییز و زمستان.

حافظی، رضا، و اسمعیل‌زاده، حمید. (۱۳۹۳). *راهنمای سناریونگاری*، تهران: وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی.

حسن‌زاده جوانیان، هادی. (۱۳۹۲). «آینده‌پژوهی صنعت لاستیک در آسیا»، *توسعه مهندسی بازار*، سال هفتم بهمن و اسفند، شماره ۳۵.

خزایی، سعید، و محمود‌زاده، امیر. (۱۳۹۲). *آینده‌پژوهی*، تهران: نشر علم آفرین.

خلعتبری، فیروزه. (۱۳۸۸). «رویکرد آینده‌پژوهی به آینده انرژی در ایران»، *راهبرد*، شماره ۵۲، رازینی، صالح، سید مسعود مقدس تفرشی، سید محمد تقی بطحایی. (۱۳۸۹). «سناریونگاری

با هدف آینده‌پژوهی در صنعت تولید برق ایران»، *نشریه انرژی ایران*، دوره ۱۳، شماره ۳.

سیمبر، رضا و زیبایی، مهدی. (۱۳۹۵). «ناآرامی‌های عربی: ریشه‌های اجتماعی در بستر تاریخی»، *فصلنامه سیاست جهانی*، دوره پنجم، شماره ۴، زمستان.

سیمبر، رضا و ملک محمدی، لیلی. (۱۳۹۷). «چرخه اعتماد در روابط بین‌الملل: مطالعه موردی ایران و امریکا»، *فصلنامه سیاست جهانی*، دوره هفتم، شماره ۴، زمستان.

شرابی، هاشم. (۱۳۸۰). *پدرسالاری جدید*، ترجمه: احمد موثقی، تهران: کویر.

شهابی، هوشنگ و لینز، خوان. (۱۳۸۰). *نظام‌های سلطانی*، ترجمه: منوچهر صبوری، تهران: شیرازه.

عابدی جعفری، داوود سلمانی، محبوبه رادمند. (۱۳۸۹). «بررسی نیازهای منابع انسانی برنامه پنجم توسعه: رویکردی آینده‌پژوهی»، *راهبرد*، پاییز، شماره ۵۶.

قاسمی نژادمایانی، بهزاد. (۱۳۷۳). جامعه و مکانیزم‌های مشروعیت‌ساز سیاست خارجی در رژیم محمدرضا پهلوی، *پایان نامه کارشناسی ارشد*، دانشگاه تهران.
گویا، فاطمه. (۱۳۹۳). «آینده‌پژوهی صنعت خرده‌فروشی»، *توسعه مهندسی بازار*، آذر و دی، شماره ۴۰.

لطفی، منیره. (۱۳۹۳). «آینده‌پژوهی صنعت اسباب بازی»، *توسعه مهندسی بازار*، فروردین و اردیبهشت، شماره ۳۶.

لیندگرن، ماتس، و یاندهولد، هانس. (۱۳۸۶). *تدوین سناریو: پیوند بین آینده و راهبرد*، ترجمه عزیز تاتاری، تهران: مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری دفاعی.

سیرایی، محمد، حسین. (۱۳۹۱). «بررسی جایگاه ژئوپولتیک تنگه هرمز بر روابط ایران و عمان پس از انقلاب اسلامی»، *پایان نامه*، دانشگاه آزاد اسلامی کرج.

مومنی، فرشاد، و نایب، سعید. (۱۳۹۱). «تبیین آینده اقتصاد ایران: تطبیق چهارچوب نظری نهادگرایی جدید با الگوی مبتنی بر سناریو»، *دو فصلنامه اقتصاد تطبیقی*، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال سوم، شماره اول، بهار و تابستان.

نعیمی ارفع، بهمن. (۱۳۷۰). *مبانی رفتاری شورای همکاری خلیج فارس در قبال جمهوری اسلامی ایران*، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

واعظی، محمود. (۱۳۸۹). «شورای همکاری خلیج فارس و قدرت‌های غربی: تداوم و تغییر در حوزه‌های تعامل»، *پژوهشنامه ۲۸*، معاونت پژوهش‌های سیاست خارجی مرکز تحقیقات استراتژیک، شماره ۲۸.

وبر، ماکس. (۱۳۷۴). *اقتصاد و جامعه*، ترجمه: عباس منوچهری و دیگران، تهران: مولی.

هانتینگتون، ساموئل. (۱۳۷۰). *سامان سیاسی در جوامع دست‌نخورش دگرگونی*، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: نشر علم.

Akseki, Emin. (2010). **OMAN'S FOREIGN POLICY BETWEEN 1970-2008** (Doctoral dissertatio), Turkey: School of social science of Middle East technical university, from: <https://etd.lib.metu.edu.tr/upload/12611979/index.pdf>, Retrived at 14/8/2015.

Bianco, Cinzia. (2020). Meet Oman's new sultan. How will he navigate the region's turmoil?, **the Washington Post**, Jan. 15, retrieved from: <https://www.washingtonpost.com/politics/2020/01/15/meet-omans-new-sultan-how-will-he-navigate-regions-turmoil/>, retrieved at: 2020/06/10.

- Common, Richard K. (2011). "BARRIERS TO DEVELOPING 'LEADERSHIP' IN THE SULTANATE OF OMAN", **International Journal of Leadership Studies**, Vol. 6 Iss. 2.
- Grappo, Gary A. (2015). In the Shadow of Qaboos: Contemplating Leadership Change in Oman, the **AGSIW**, from: <http://www.agsiw.org/in-the-shadow-of-qaboos-contemplating-leadership-change-in-oman/>, Retrieved at 15/8/2015.
- Hubbard, Ben. (2020). Oman's New Sultan Vows to Continue Country's Peacemaking Path, the **New York Times**, from: <https://www.nytimes.com/2020/01/11/world/middleeast/oman-sultan.html>, Retrieved at: 2020/01/10.
- Kadhim, Abbas. (2013). **the solitary sultan and the construction of the new Oman**, New Yourk, Routledge, <http://www.jepeterson.net/publications.html>, Retrieved at 29/7/2015.
- Kaplan, Robert D. (2013). **Oman's Geopolitical Centrality**, Stratfor: Global Intelligence.
- Katz, Mark N. (2004). **Assessing the Political Stability of Oman**, Rubin Center, research in International Affairs, from: <http://www.rubincenter.org/2004/09/spyer-2004-09-01/>, Retrieved at 27/7/2015.
- Katzman, Kenneth. (2013). "Oman: Reform, Security, and U.S. Policy", **Congressional Research Service**, NO. 7-5700, from <https://www.fas.org/sgp/crs/mideast/index.html>, Retrieved at 16/7/2015.
- Kutty, Samuel. (2020). Vision 2040 eyes increase in economic growth, **Oman Observer**, Feb. 19, retrieved from: <https://www.omanobserver.om/vision-2040-eyes-increase-in-economic-growth/>, retrieved at: 2020/06/10.
- N,n. (2011). Basic Law, **Omani Ministry of Legal Affairs official site**, retrieved from: <http://www.mola.gov.om/maraseem/948/99-2011.pdf>, retrieved at: 2020/06/10.
- N,n. (2020). Haitham bin Tariq sworn in as Oman's new sultan, **Aljazeera**, from: <https://www.aljazeera.com/news/2020/01/haitham-bin-tariq-named-successor-oman-sultan-qaboos-200111060309444.html>, Retrieved at: 2020/01/10.
- N,n. (2020). Oman's Economic Update-April 2020, the **World Bank**, APR. 16, retrieved from: <https://www.worldbank.org/en/country/gcc/publication/oman-economic-update-april-2020>, retrieved at: 2020/06/10.
- n,n. (2020). **Royal Decree No. 101/96 promulgating the Basic Statute of the State**, International Labor Organization, from: http://www.ilo.org/aids/legislation/WCMS_125868/lang--en/index.htm, Retrieved at: 30/6/2015.

- Ogilvy, Jay, and Schwartz, Peter. (1998). **Plotting Your Scenarios**, Global Business Network, from: http://www.meadowlark.co/web/scenario_planning.html, Retrived at: 30/6/2015.
- Oxford Analytica. (2012). **Oman succession unlikely to jeopardize stability**, London: jepeterson, from: <http://www.jepeterson.net/publications.html>, Retrived at: 3/7/2015.
- Peterson, JE. (2011). "Oman Faces the Twenty-First Century", **Political Change in the Arab Gulf States**, London: LYNNE RIENNER PUBLISHERS.
- Peterson, JE. (2014). **America and Oman: The Context for Two Nearly Centuries of Relations**, JEPeterson Publications, Arizona; USA Simultaneously published in the USA and Canada.
- Rosenau, James. (1971). **the Scientific Study of Foreign Policy**, New York: Free Press.
- Valery, marc. (2006). **Liberalization from Above: Political Reforms and Sultanism in Oman**, Constitutional Reform and Political Participation in the Gulf, Dubai, Gulf Research Center, Pp: 187-211.
- Valery, marc. (2014). **Oman's mediatory efforts in regional crises**, Norwegian Peacebuilding Resource Centre (NOREF), Oslo, Norway, from: <http://www.peacebuilding.no/>, Retrived at: 30/6/2015.
- Vera, Amir; Picheta, Rob; Barnes, Taylor. (2020). Oman names a new leader after the death of Sultan Qaboos bin Said, **CNN**, from: <https://edition.cnn.com/2020/01/11/middleeast/oman-sultan-qaboos-bin-said-death-intl/index.html>, Retrived at: 2020/01/10.
- WikiLeaks. (2009). **Business Oligarchs and Government in Oman's Economy**, from: https://wikileaks.org/plusd/cables/09MUSCAT851_a.html, Retrived at: 5/7/2015.
- Diwan, Kristin. (2020). Oman's New Sultan Unlikely to Pursue Qaboos' Monopoly of Power, the **AGSIW**, Feb. 10, retrieved from: <https://agsiw.org/omans-new-sultan-unlikely-to-pursue-qaboos-monopoly-of-power/>, retrieved at: 2020/06/10.
- AlSherbini, Ramadan. (2020). Oman's sultan orders high-ranking appointments, the **Gulf News**, retrieved from: <https://gulfnews.com/world/gulf/oman/omans-sultan-orders-high-ranking-appointments-1.72392336>, retrieved at: 2020/07/03.
- Jafari, Saeid. (2020). Will ties with Iran change under Oman's new sultan?, **Al-Monitor**, Feb. 24, retrieved from: <https://www.al-monitor.com/pulse/originals/2020/02/iran-oman-ties-new-sultan-qaboos.html>, retrieved at: 2020/06/10.
- Cafiero, Giorgio. (2020). Oman's new sultan and US-Iran tensions, the **Atlantic Council**, retrieved from: <https://www.atlanticcouncil.org/blogs/iransource/omans-new-sultan-and-us-iran-tensions/>, retrieved at: 2020/06/10.